

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیچان ها

مجموعه شعر



نویسنده : مسعود یزدی تژاد

پست الکترونیک : Masoodi153@Yahoo.com

بلاگ : BassGraph.Blogfa.Com

سخنی با خوانندگان گرامی :

سالهاست که این شعرها در درون افکار من می چرخند و فرصتی نیست که آنها را بر روی کاغذ بیاورم. شاید این کتاب الکترونیک بهانه ی خوبی باشد تا گرد و غباری که بر روی این افکار نشسته است را بتکانیم.

انچه می نویسم در حقیقت افکاری است که درونم موج می زند و مرا چون قایق در هم می شکنند. امیوارم این کشتی شکسته لیاقت شما را داشته باشد. از دوستان صاحب نظرم خواهشمند هستم تا درباره این شعرها هر نظری و هر نظری که دارند لطفا من را مطلع کنند. باز هم متشکرم به خاطر دریافت این فایل.

مسعود یزدی نژاد اواخر 1386 هجری شمسی

بسم الله الرحمن الرحیم
از علی بن ابی طالب
بزرگوار
که در روزی
از علی بن ابی طالب
بزرگوار
که در روزی
از علی بن ابی طالب
بزرگوار

.. پیچان ها ..

دور دست چراغیست روشن
پشت چوبهای زوار در رفته
می خیزد دودی سیاه از فرازش و
می نشنید
میان پیکر یچان ها
میان روشنایی های تاریکی
منم سوسوی تاریک وار شب
کز چراغ کومه ام بر نخیزد هیچ نوری
مرغ طوفانی ام در قفس است.
میان خاموشی ها
ندارد هیچ صدایی ز هیچ دریایی
که گویی خفته اند همه خروش ها.

.. عاشقانه ها ..

بغض گلویم را می فشارد

سنگینی سکوت
مرا می شکنند.
به انتهای کوچه زندگی
نزدیک می شوم
باری اشعر گفتن می ایستم
هر دو پاهایم هنوز
روی زمین است
لبهایم به سادگی می لغزند
چشمانم مرا
به مهمانی تاریکی دعوت می کنند
هدفی نیست در این
زندگی پوچ و پست
غزلی نیست که ابری نباشد.
در سرسرای زندگی
می توان جام تلخ
نفرت را جرعه جرعه نوشید
یا جام کشنده و شیرین شهوت را
در کنار همبستری نوشید.
نه امیدی برای فردایی
و نه فردایی برای امیدی

همه را پوچ و سخت می دانم
ارام آرام
زندگی را ترک می گویم
دلم برای آتش دوزخ
و رودهای زیبای بهشت تنگ شده است.
چه کنم بغض است که می فشارد
گلویم را.

.. سرباز زمان (تقدیم به امام پشت پرده ی غیبت)..

شاید این لحظه بدانم
انچه را که می خواستم بدانم
غروبهایی است که در انتظار دانستن ایستاده ام
آماده
مثل یک سرباز واقعی
منتظرم که بیایی
صدای پاک پاهای صبورت را
می شناسم.
هر جمعه می گویم و می دانم
که می آیی

اما وقتی غروب دلتنگی جمعه
روی چشمان غم بار کوچه سیاه
می لغزد
و می بینم که تو نیامدی
در آتش خیال باطم بس می سوزم.
اهسته می گریم.
باز هم دلم روشن است.
هر جمعه منتظرم که بیایی
شاید بیایی
این انتظار سخت را ببین
شاید بیایی.

∴ زندان ∴

پشت آن زندان ه
و پشت آن میله ها
گلهایی در درون گلدان
خشک گشته اند.
زندان خالی خالی
هیچ صدایی نمی خیزد

و تنها موجود من هستم.
که با کابوس نیمه شب
دست و پنجه نرم می کنم
غربت و ترس را می توان
زیر رگ های حسرت
خوب حس کرد.
عاقبت کی ازاد خواهم گشت؟
شاید این زندان سرای ابدی من باشد.
این افکار مرا
می رنجاند
دستهای لرزانم را
به سوی کاغذ می برم
اما انگار کاغذ هم از من
فراریست.
به گناه عشق
در اینجا خواهم ماند.
شاید فردا طلوعی نباشد
پس افتاب را
از بر کن
تا چراغ ظلمت باشد.

..: ابلیس یا اهریمن ..:

تک سوالم.
روی این چرخ زمن
می کشم آتش به جانها
می نهانم در خیال ها
می فروشم نامیدی ها ارزان
بر همه اهل دلان.
من همان اهریمنم.

..: مرگ ..:

دستها بالا
سرها پائین
تفنگ را بر دوش کودکی می بینم
دستهایی در بند
چشمهایی منتظر
من اینجا مرگ شخصیت را می بینم
زور و قدرت

چیره بر

انسانیت

و سرانجام هر چیز

پایان راه زندگی.

همین...

∴ و این است من ... ∴

من به آغوش پست و خفته ی

خاک می نگرم

غرق در افکار غریب و پوچ

و ذهنی آرام و بی اختیار

من همان خاک بی مقدارم.

که روشنایی می بینم.

من پر از ستاره ام.

∴ ای همه آغاز و تکرار منم ∴

تو مه خشکید و تابان شدم

ای همه آغاز و تکرار منم

بیا دستان را

به گرمی به گونه هایم بفشار

و چشمان سیاهت را

بیاویز چون حلقه ای

بر قلبم

ای که بودی و بودم

رویاهای شبانه من

همه با عطر تو پر شد

سفری خالی من

با شام عشق تو پر شد.

و آن کابوس های نیمه شب

چنگ از روحم

برداشته اند.

توی ای شیرین ترین لیلی ها

تو بهار واپسین لحظه ها

قلبم را دریاب

گر که سالها می گذرانی

عاشقم که عشقم بخوانی

باز هم من می روم

تا نگویند عشق جدایی نیست

تو مرا خواهی دید و من

دوباره تو را می بینم

و کوزه ی عشق را
از رود تو سیراب می کنم
باری دیگر جام را پر می کنم و
دستهای مهربانی بر گونه هایت می فشارم.
ای همه آغاز و تکرار منم

در پایان ممنونم از اینکه این کتاب را مطالعه کردید. می دانم شاید حتی نتوان لقب شعر نهاد بر
دست نویس هایم اما هر چه هست صحبت دل هست و بس. با این شعر از استاد **فریدون مشیری**
همه چیز را به سر نقطه می برم.

بدین افسونگری. وحشی نگاهی
مزن بر چهره رنگ بی گناهی!
شرابی تو شراب زندگی بخش
شبی می نوشمت خواهی نخواهی

یا علی مدد.

مسعود یزدی نژاد.



طراحی قالب های زیبا [رایگان]
نکات و ترفند های فتوشاپ
ابزار های طراحی و طراحی وب
کدهای زیبای جاوا برای وبلاگها

پس گراف



- طراحی قالب - آموزش - فتوشاپ و -